



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۲/آبان/۱۳۹۵

موضوع کلی: اوامر

مصادف با: ۱۲ صفر ۱۴۳۸

موضوع جزئی: مقدمه واجب - مباحث مقدماتی - تقسیم چهارم:

مقدمه متقدمه، مقارنه، متاخره - جهت اول: صحت تقسیم

(اشکال به محقق خراسانی)

جلسه: ۲۴

سال هشتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

همانطور که در جلسات گذشته بیان گردید، در مورد اشکال شرط متاخر و شرط متقدم راه حل هایی از طرف اعلام و بزرگان ارائه گردیده است.

اولین راه حل از سوی محقق خراسانی ارائه شد. ایشان با تفکیک شرط حکم از شرط مامور به دو راه حل ارائه نمودند. یکی مربوط به شرط حکم و یکی مربوط به مامور به.

راه حل محقق خراسانی توسط محقق نایینی و محقق اصفهانی به صورت جداگانه مورد اشکال قرار گرفت که بعد از بیان هر کدام مشخص گردید که یک نقطه اشتراک بین آن ها وجود دارد به این معنا که طبق هر دو اشکال، راه حل محقق خراسانی نقل کلام به غیر موضوع بحث است و راه حل ایشان در اموری است که اساسا از محل نزاع خارج می باشند.

همانطور که بیان شد بعد از اینکه محقق اصفهانی اشکال خود را به محقق خراسانی بیان کردند در صدد توجیه کلام ایشان بر آمدند. اشکال محقق نایینی به محقق خراسانی نیز عبارت بود از این که به عقیده ایشان محقق خراسانی بین قضایای حقیقیه و قضایای خارجیه خلط نموده است.

محصل اشکال محقق نایینی این است که راه حل محقق خراسانی فقط در مورد قضایای خارجیه قابل قبول است نه در قضایای حقیقیه، در حالی که محل کلام و نزاع ما قضایای حقیقیه است. به عبارت دیگر این راه حل در قضایای حقیقیه کاربردی ندارد و در جایی کاربرد دارد (قضایای خارجیه) که محل بحث و نزاع ما نمی باشد. در قضایای خارجیه، از آن جا که هر شرطی در واقع شرط جعل است، مشکل عدم مقارنت شرط و مشروط با راه حلی که محقق خراسانی بیان کرده قابل حل است. چون به طور کلی شروط در قضایای خارجیه شروط جعل می باشند نه مجعول و نیز انشاء و فعلیت در قضایای خارجیه متحد است. یعنی وقتی مولا اکرم زیدا به عنوان یک قضیه خارجیه می گوید؛ همان لحظه که مولا اکرام زید را انشاء می کند، حکم فعلی نیز وجود دارد. زیرا در قضایای خارجیه در همان لحظه انشاء حکم، موضوع محقق و ثابت است و وجود دارد. لذا وقتی حاکم قصد حکم کردن را دارد. همان لحظه جعل و انشاء و حکم موضوع را تصور می کند، شروطش را تصور می کند، قیودش را تصور می کند و حکم را جعل می کند و با

انشاء و جعل، حکم فعلی می‌شود. زیرا زید در خارج وجود دارد و وقتی مولا می‌گوید، اکرم زیدا، از آن جا که زید دارای وجود خارجی است پس از انشاء حکم، مکلفین باید زید را اکرام کنند.

اما در قضایای حقیقیه مسئله فرق می‌کند. در قضایای حقیقیه موضوع به وجوده الخارجی مورد نظر نیست. آنچه که مورد نظر است یک عنوان کلی است که چه بسا در خارج فرد و مصداق داشته باشد و چه بسا نداشته باشد. مثل «يجب الحج على المستطيع» وقتی این حکم توسط مولا انشاء می‌شود ممکن است مستطیع در خارج مصداق داشته باشد و ممکن است بعدا محقق شود. لذا در قضایای حقیقیه موقع انشاء حکم، فرض وجود موضوع می‌شود. به عبارت دیگر در قضایای حقیقیه حکم بر موضوع مقدر الوجود مترتب می‌شود لذا ممکن است حکمی انشاء و جعل شود ولی بخاطر نبودن موضوع و به خاطر عدم وجود موضوع فعلیت پیدا نکند و تا زمانی که موضوعش تحقق پیدا کند به فعلیت نرسد.

از آنجایی که قضایای حقیقیه موضوعشان مفروض الوجود است لذا بین فعلیت و انشاء امکان انفکاک وجود دارد و از آن مهمتر این که علم مولا هیچ تاثیری در حکم ندارد و آنچه که در فعلیت حکم دخیل است، تنها وجود خارجی موضوع است. پس محقق خراسانی در شرط مربوط به حکم مشکل شرط متاخر را اینگونه حل کردند که وجود خارجی موضوع شرط نیست بلکه شرط عبارت است از وجود علمی موضوع که در اینصورت مقارنت بین حکم و مشروط محقق است.

اما محقق نایینی فرمودند: این راه حل فقط در مورد قضایای خارجی قابل استفاده است؛ زیرا موضوع قضایای خارجی در خارج موجود است و وجود علمی آن تاثیر در حکم دارد اما در احکام شرعی که از سنخ قضایای حقیقیه است و بین انشاء و فعلیت ممکن است انفکاک باشد راه حل شما کار بردی ندارد و این در حالی است که اصل بحث ما و نزاع ما در قضایای حقیقیه است نه قضایای خارجی.

به علاوه محق نایینی می‌فرمایند: مسئله شرط مامور به از محل نزاع خارج است و مشکل شرط متاخر در مورد شرط حکم وجود دارد نه شرط مامور به.

در واقع اشکال محقق نایینی به محقق خراسانی داری دو وجه است که وجه اصلی آن همان است که می‌فرمایند: راه حل محقق خراسانی فقط در قضایای خارجی قابل تصور است که از محل نزاع خارج است، اما در مورد قضایای حقیقیه که محل نزاع است قابل تصویر نیست.

اما وجه دوم عبارت است از اینکه ایشان شرط مامور به را از محل نزاع خارج می‌دانند.

اشکال محقق خوبی به محقق نایینی

مرحوم خوبی می‌فرماید: اگر ما قضیه حقیقیه را عبارت از این دانستیم که موضوعش مقدر الوجود است و مولا در هنگام حکم نظر به خارج ندارد موضوع مفروض الوجود همان طور که در ظرف مقارن با حکم می‌تواند اخذ شود در ظرف متاخر از حکم نیز می‌تواند اخذ شود. (تفصیل اشکال ایشان به محقق نایینی را هنگام بیان راه حل ایشان در این مشکل بیان می‌کنیم).

تا کنون فقط یک راه حل در مورد شرط متاخر و متقدم توسط محقق خراسانی بیان شد، در این مسئله بزرگانی مانند محقق نایینی، محقق اصفهانی، محقق خوبی، امام خمینی و عده ای قبل از محقق خراسانی راه حل‌هایی ارائه نموده‌اند.

اساس سخن محقق نایینی در اشکال به محقق خراسانی بر این پایه است که ایشان قائل به عالم جعل و عالم مجعول می‌باشند. یعنی ایشان می‌فرمایند: در قضایای حقیقیه یک سری شروط، شروط جعل می‌باشند و یک سری شروط، شروط مجعول می‌باشند. شروط جعل تمام چیزهایی است که به انشاء حکم مربوط می‌شود و حاکم موقع انشاء نیازمند این است که آن شروط را تامین کند. یعنی مثلا باید شروط و فایده آن را تصور کند تا بتواند انشاء حکم نماید. اما شروط مجعول مربوط به تحقق موضوع هستند.

ولی این که بین جعل و مجعول تفکیک قائل شویم مطلب صحیحی نیست. انفکاک عالم جعل از عالم مجعول صحیح نیست. آیا به عنوان مثال می‌توان بین ایجاد و وجود تفکیک قائل شد در حالی که ایجاد و وجود اتحاد ذاتی و تغایر اعتباری دارند. یعنی اگر کسی چیزی را ایجاد کرد و به تبع آن یک چیزی موجود شد آیا در عالم واقع می‌توان گفت ایجاد غیر از موجود است. آیا حقیقتا ایجاد و وجود با هم فرق دارند؟ به بیان دیگر اگر این حقیقت واحد را به اعتبار شخص ایجاد کننده و فعل او در نظر بگیریم این حقیقت ایجاد نامیده می‌شود، اما اگر به اعتبار آن چیزی که ایجاد شده در نظر بگیریم موجود نامیده می‌شود و این تغایر فقط یک تغایر اعتباری است نه حقیقی و نه ذاتی.

مسئله جعل و مجعول نیز همین است. تفکیک عالم جعل و مجعول بالاعتبار است و گر نه حقیقتا این طور نیست که دو چیز داشته باشیم. آیا می‌توان معتبر را از اعتبار تفکیک کنیم؟

اعتبار یعنی کسی چیزی را در وئاء اعتبار ایجاد می‌کند. اعتبار و معتبر هر دو یک حقیقت هستند منتهی یک وقت به لحاظ شخص اعتبار کننده و فعل او لحاظ می‌شود و آن حقیقت فعل لحاظ کننده شمرده می‌شود و آن چه که معتبر اعتبار می‌کند معتبر نامیده می‌شود. پس این‌ها از هم جدا نیستند بلکه یک حقیقت از دو منظر جداگانه می‌باشند.

پس اصل اشکال محقق نایینی تفکیک عالم جعل و عالم مجعول است ولی فعلا در حدی که بدانید سخن محقق نایینی دارای اشکال است بیان شد.

به راه حل محقق خراسانی اشکالاتی ایراد شده که تا کنون به بخشی از آن‌ها اشاره شد.

حق در اشکال به محقق خراسانی در مورد شرط حکم

راه حل محقق خراسانی در مورد شرایط حکم؛ چه تکلیفی و چه وضعی این بود که تاخر شرط اشکالی ندارد زیرا آن چه که حقیقتا متاخر است وجود خارجی شرط است. یعنی هر چند که امکان ندارد مشروط اکنون محقق باشد ولی شرطش بعدا تحقق پیدا کند، اما این مسئله مربوط به وجود خارجی این شرط می‌باشد.

اما در مورد وجود علمی و تصور شرط متاخر مشکلی نیست. زیرا زمانی که آن شرط تصور می‌شود همان زمان توسط مولا حکم بر موضوع بار می‌شود و لذا مقارنت بین موضوع و حکم و شرط و مشروط وجود دارد. مثل این که مولا استطاعت را برای حج تصور کند و همان لحظه وجوب آن را انشاء کند.

برای روشن شدن اشکال لازم است مطلبی را به عنوان مقدمه بیان کنیم.

تکلیف از دو جهت قابل ملاحظه است اول: تکلیف به معنای مصدری دوم: تکلیف به معنای اسم مصدری.

تکلیف به معنای مصدری: یعنی حکم کردن و دستور دادن که فعل اختیاری مولا است. حکم کردن فعل هر کسی نیست بلکه تنها فعل اختیاری مولا است که مولا آن را انجام می‌دهد و مانند هر فعل اختیاری دیگر مبتنی بر یکسری مقدمات می‌باشد. یعنی

تا زمانی که اراده‌ای نباشد این فعل از مولا صادر نمی‌شود و تا مبادی اراده در نفس او محقق نشود اراده در افق نفس مولا شکل نمی‌گیرد. یعنی؛ این که مولا به عبدش می‌گوید برو بازار و گوشت بخر، نفس دستور دادن یک فعل اختیاری است که قبل از آن اراده‌ای در نفس مولا شکل گرفته مبنی بر اینکه عبدش را تحریک به خریدن گوشت از بازار کند. اما اینطور نبوده که اراده مولا خود بخود پدید آمده باشد؛ بلکه ابتدا خریدن گوشت را تصور کرده و فایده آن را تصدیق کرده و سپس به فایده اش شوق پیدا کرده، آن وقت فعل حکم کردن و دستور دادن به عنوان یک فعل اختیاری از طرف او صادر شده است.

تکلیف به معنای اسم مصدری: یعنی وقتی از مولا ایجاب به عنوان یک فعل اختیاری سر می‌زند حاصل کار او می‌شود وجوب که این همان معنای اسم مصدری ایجاب است.

حال منظور از شرط تکلیف یا شرط حکم چیست؟

احتمال اول: شرط تکلیف یا شرط حکم؛ شرط مصدر است. یعنی شرط حکم کردن، دستور دادن، ایجاب است.

بعضی از امور به حسب واقع شرطیت برای وجوب دارند نه ایجاب. یعنی شرط حکم به معنای اسم مصدر هستند مثل استطاعت برای حج. به عبارت دیگر بعضی از شروط، شروط فعلیت و بعضی از شروط، شروط انشاء حکم می‌باشند و چون احکام دارای مراتب مختلف می‌باشند. لذا بعضی از شروط واقعا شرطیت برای حکم به معنای اسم مصدری یا به تعبیر دیگر وجوب و فعلیت حکم را دارند و بعضی از شروط، فقط شروط انشاء حکم می‌باشند.

حالا نکته اساسی این است که شرط و حکم به معنای اسم مصدری یا به تعبیر دیگر شروط وجوب، ربطی به مولا ندارد و این مربوط به مکلف است. مرحله فعلیت ربطی به مولا ندارد بلکه مرحله فعلیت مربوط به مکلف است و آنچه که به مولا مربوط است شرط انشاء حکم است. یعنی آن شروطی که برای صدور حکم لازم است.

لذا وقتی مولا قصد حکم به معنای مصدری دارد، ابتدا حکم، موضوع، محمول، شرط این موضوع و قیود این موضوع را تصور می‌کند و سپس حکم می‌کند. به عبارت دیگر شروطی که برای انشاء حکم لازم است عبارت است از لحاظ محمول، موضوع، تمام قیودی که برای این موضوع لازم است که در محدوده فعل اختیاری مولا قرار دارد.

اما شروط مربوط به حکم به معنای اسم مصدری آن، شروطی است که باید مکلف در انتظار آن باشد تا تحقق پیدا کرده و حکم فعلیت پیدا کند.

حال در شروط مربوط به فعلیت حکم که مربوط به مکلف است چگونه می‌توانیم مسئله را حل کنیم؟ محقق خراسانی چطور می‌تواند این مسئله را حل کنند؟ تکلیف به معنای انشاء و حکم مربوط به مولا است و تابع اموری است که به ترتیب در افق نفس مولا شکل می‌گیرد. اما در مورد شرایطی که به خود مکلف و به فعلیت حکم مربوط می‌شود و به تعبیر دیگر حکم به معنای اسم مصدری مربوط می‌شود؛ دیگر چیزی وجود ندارد که در افق نفس مولا شکل بگیرد.

به عبارت ساده و مختصر اشکال به محقق خراسانی این است که راه حل ایشان در بعضی از شروط حکم قابل قبول است که شروط انشاء و مصدری باشند، اما در مورد شروط فعلیت حکم یا حکم به معنای اسم مصدری راه گشا نمی‌باشد.

بحث جلسه آینده

در مورد شرط مامور به نیز بر محقق خراسانی وارد است.

ایشان در شرط مامور به فرمودند: آنچه که شرطیت دارد این شرط مصطلح نیست بلکه آن چیزی که واقعا شرطیت دارد، آن اضافه و نسبتی است که بین مامور به و مشروط است و وقتی این نسبت و اضافه برقرار بود مقارنت بین شرط و مشروط نیز حاصل است. در این مورد نیز به محقق خراسانی اشکال وارد است.

«والحمد لله رب العالمین»